نگاهی به کتاب

«نهاية التحصيل في شرح مسائل التفصيل»

سید احمد حسینی اشکوری *

چکیده: « نهاية التحصيل في شرح مسائل التفصيل»، شرحی است مبسوط برکتاب «وسائل الشيعه»، اثر مشهور شیخ حرّ عاملی، که بیش از ۳۵۸۰۰ حدیث در ابواب فقهی را با نظم و دقّتی شگفت تدوین کرده است. این شرح، نوشتهٔ شیخ یوسف بَحرانی حُویزی از شاگردان شیخ حرّ عاملی است که دربارهٔ وی، اطلاعاتی بسیار اندک در دست است. در این مقاله، گزارشی می‌خوانیم از تنها نسخهٔ خطّی این شرح، که شناسایی شده است.

کلید واژه: وسائل الشيعه / حرّ عاملی، محمد بن حسن / احادیث فقهی / حدیث شیعه، قرن یازدهم هجری قمری / نهاية التحصيل فی شرح مسائل التفصيل / بَحرانی، یوسف بن محمد / وسائل الشيعه، شروح.

مؤلف این شرح بسیار مهم بر کتاب وسائل الشیعه، شیخ یوسف بن محمد بحرانی حویزی (۱) می‌باشد که اطلاع چندانی از حالات وی در دست نیست، جز آنچه را که شیخ محمد بن حسن حر عاملی در کتاب «أمل الآمل» ج ۲، ص ۳۵۰ می‌نویسد:

«فاضلی است فقیه، صالح زاهد معاصر، از اوست شرح کتاب ما «تفصیل وسائل الشیعة»، در آن گفته‌های فقیهان راگرد آورده با فواید دیگری و ناتمام مانده است، ونیز دارای رسائل دیگری است.»

---

* - کتابشناس و فهرست نگار نامور آثار شیعی، حوزهٔ علمیهٔ نجف و قم.

۱ - ایشان، با شیخ یوسف بحرانی مشهور، صاحب کتاب الحدائق الناضرة تفاوت دارد، چنانکه بر اهل تحقیق پوشیده نیست.

نام پدر شیخ یوسف در بعضی نسخه‌های خطی امل الآمل «علی» آمده است .باید این نام صحیح باشد که به تکرار در خط شیخ ودر اجازهٔ حرنیز چنین ذکر شده، و «محمد» در امل الآمل سهو قلم است.

گفتهٔ حر عاملی در «ریاض العلماء» ۳۹۸/۵، و «الکواکب المنتثرة» ص ۸۲۸، و «معجم رجال الحدیث» ۱۸۶/۲۱ بدون افزودگی مطالبی تکرار شده است.

مرحوم حر اجازهٔ روایتی به تاریخ نیمهٔ ربیع الأول ۱۰۸۶ برای شیخ یوسف نوشته و در آن تصریح می‌کند که اجازه گیرنده دارای اهلیت برای استنباط احکام ودادن فتوا می‌باشد، با این که روش استنباطی شیخ حر اخباری معتدل وشیخ یوسف اصولی است، ومن با بررسی اجمالی کتاب وی و اجازهٔ حر، او را در کتاب «تراجم الرجال» ۶۶/۴، چنین معرفی کرده‌ام:

«أصلاً از بحرین است و گاهی در مشهد مقدس رضوی اقامت گزید که پاره‌ای از شرح خود را در آنجا نگارش داده است. و در حویزه (خرمشهر) سکونت داشت. در مشهد نزد گروهی به تحصیل پرداخت. واز استادان وی شیخ محمد بن حسن حر عاملی بود که جمله‌ای از کتابهای حدیثی و بعضی کتابهای دیگر نزد وی آموخته است.در کتاب خود تصریح می‌کند که روش اصولیان را به کار می‌گیرد و باید این روش را در استنباط احکام به کار گرفت».

اینک بخشی از ترجمهٔ اجازهٔ حرّ را می‌آوریم که نمایانگر جایگاه علمی و عملی شیخ یوسف است.

«از خدای سبحان درخواست خیر نمودم واجازه دادم به مولای جلیل نبیل فاضل کامل عالم عامل محقق مدقق زاهد عابد، جامع معقول ومنقول، حاوی فروع واصول. پاسخ به درخواست وی دادم، بلکه امر و دستور اورا به مرحلهٔ اجرا گذاشتم. گرچه قدر من در علم وعمل، از قدر او کمتر می‌باشد .این نگارش پس از آن است که وی جمله‌ای از کتاب‌های حدیث و جز آن را نزد من خوانده، خواندنی بحثی و تحقیقی وتنقیحی و تدقیقی، به گونه‌ای که جدّ و جهد و قابلیت و استعداد و اهلیت او را برای نقل حدیث و روایت بلکه نقد و درایت آن آشکار ساخت، و ما با وی در معنی احادیث ائمه علیهم السلام و جز آن از

مطالب مهمه به بحث نشستیم، پس اورا [در فهم و جودت ذهن] نیکو یافتیم. و بیش از استفاده‌ای که از ما برده، به ما فایده رساند... او را -که خدا در توفیقش بیافزاید - اجازه دادم که از طریق من احادیثی را که در کتابهای مورد اعتماد آمده روایت کند و به مضمون آنها عمل نماید و برای آنان که از او فتوا می‌خواهند فتوا دهد ...».*

* * *

کتاب «تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة» ـ که اختصاراً «وسائل الشیعة» نیز نامیده می‌شود ـ مشهورترین تألیفات محدث و الامقام سدهٔ یازدهم قمری شیخ محمد بن حسن حرّ عاملی (۱۱۰۴) است.

این کتاب، از هنگام تألیف تا عصر حاضر، بهترین و گسترده‌ترین کتاب حدیثی مربوط به ابواب فقه است که همواره مجتهدان و مفتیان بدان مراجعه می‌کنند و از روایتهای نقل شده در آن، برای استنباط مسائل فقهی وتحصیل فتوا بهره می‌برند.

این موسوعه در برگیرندهٔ روایتهای بسیاری است که از حضرات معصومین علیهم السلام در کتابهای مورد اعتماد مؤلف روایت شده ومتعرض احکام فقهی (فرائض وسنن و آداب) می‌باشند، و مجموع منابعی که از آنها حدیث نقل شده بیش از یکصد و هشتاد منبع می‌باشد. این احادیث پراکنده در کتابهای مختلف آمده و مرحوم حرّ آنها را با ذکر سند و تنظیم دقیق ـ از کتاب طهارت تادیات ـ گرد آورده و گاهی به اختصار، پیرامون بعضی حدیثها به حل مشکلات آنها پرداخته است. روش تنظیم این کتاب، شبیه به روش «شرائع الاسلام» محقق حلی می‌باشد و مجموع کتابهای آن پنجاه کتاب است .

شیخ یوسف در دیباچهٔ «نهایة التحصیل» بیست و یک مزیت برای کتاب وسائل شمرده، که مهم‌ترین آنها بدین تفصیل است: دارای همه احادیث أبواب فقه می‌باشد، از تمام کتابهای حدیثی بهره برده شده است، احادیث با سند و متن آنها نقل می‌شوند، برای هر یک از مسائل بابی قرار داده شده تا کار مراجعه کننده آسان باشد، چگونگی جمع بین احادیث ارائه شده است، جمع احادیث مختلف در یک باب حل بسیاری از اشکال‌های فقهی می‌نماید، احتمال تعارض بین احادیث با جمع آنها رفع می‌گردد، راه

---

* - متن کامل این اجازه روایتی به خط شیخ حرّ عاملی، به پیوست این مقاله می‌آید.

شناخت جایگاه احادیث از جهت وثاقت یا ضعف با جمع آنها در یک باب نشان داده شده است، اثبات وجود نصّ در مسائلی که بعضی از فقها گمان کرده‌اند نصّی در آنها نیست، کوتاه نمودن راه برای تحصیل خاص و مقیّد، استفاده از ظاهر روایتها برای عناوین بابها.

پیرامون معرفی این کتاب و کارهای علمی و فنی که برای آن انجام شده است، به نبشته عربی مفصل این کمترین «کتاب وسائل الشیعه و الانجازات العلمیة حوله» که در جزء اول «دلیل المخطوطات» نهاده‌ام، رجوع شود.

* * *

کتاب «نهایة التحصیل في شرح مسائل التفصیل» شرح گسترده کتاب «وسائل الشیعة» شیخ محمد بن الحسن حرّ عاملی است که در عصر وی بدان شروع شده و تا پایان کتاب حج در سه جلد کلان نوشته شده و گویا دورهٔ آن ناتمام مانده است :

جلد اول: مقدمات کتاب تا پایان کتاب الصلاة می‌باشد، کتاب طهارت روز دوازدهم جمادی الأول ۱۰۸۴ و کتاب صلاة روز پنجشنبه از ماه جمادی الثانی ۱۰۸۶ در مشهد مقدس به پایان رسیده، و این جلد جزء اول ودوم شرح می‌باشد.

جلد دوم: کتاب زکات تا صوم می‌باشد، و روز ۲۳ جمادی الاوّل ۱۰۹۶ در مشهدمقدس به پایان رسیده وجزء سوم شرح است .

جلد سوم: کتاب حج می‌باشد، و روز چهاردهم ماه محرم ۱۱۰۲ در حویزه به پایان رسیده است.

در این شرح روش فقهاء اصولی به کار گرفته شده و بسیاری از آراء و نظرات عالمان معروف فقه نقل می‌شود، با گفتگو و رد وایراد در آنها. بیشتر نقل‌ها از ابوالصلاح حلبی و محقق حلی و شهید اول و شهید دوم و علامه حلی و سیّد محمد صاحب مدارک است.

در پاره‌ای از بابها، به مناسبت موضوع آن باب، فروع ومسائلی با ادلهٔ اجتهادی آنها افزوده شده است، تا موضوع از دید احتیاج به مسائل مختلف کامل باشد.

مؤلف ما، روش کار خود را در دیباچهٔ این شرح، چنین توضیح می‌دهد: «چون کتاب وسائل را از دیگر کتابهای حدیثی مغنی دیدم ودستیابی به ادله را در این کتاب بدون کوشش و تکلف یافتم، دوست دارم که تعلیقاتی بر آن بنگارم که مراجعه کننده بدانها نیاز

دارد و شناخت حکم شرعی به طریق استدلال متوقف بر آنها می‌باشد و باید آن قواعد و پژوهشهای استدلالی را به کار بندد مگر در موارد نادر».

پس از شمارش آنچه را که استنباط کننده در طریق اجتهاد بدان نیاز دارد، می‌افزاید: «اگر دلیلی نزد من راجح بود آن را می‌آورم واز دلیلهای دیگر که برای مسئله مورد بحث آورده‌اند پاسخ می‌گویم. و چنانچه مسئله‌ای را مصنف یاد کند و آن را در فروعی که فقها ذکر کرده‌اند، نیابم تصریح می‌کنم که گویندهٔ آن رانیافتم. و اگر مسئله‌ای را فقها ذکر کرده‌اند و مؤلف وسائل آن را متعرض نشده است، من آن را یاد می‌کنم. اگر دلیلی بر آن آورده‌اند، دلیل آنها را نیز می‌آورم بانقل اختلاف در آن یا عدم اختلاف وترجیح بعضی گفته‌ها و پاسخ بر غیر راجح. و اگر فقها دلیلی برای مسئله ذکر نکرده‌اند، من در یافتن دلیل می‌کوشم . اگر نیافتم راه احتیاط را می‌پیمایم یانظر خاصی نمی‌دهم».

بنابر این روش، شارح به احادیث احکام واجبه و دلیل آنها بیشتر اهمیت می‌دهد و به مستحبات کمتر می‌پردازد. چون روش استنباط فقهی و اجتهاد در نظر وی می‌باشد، اسانید احادیث بررسی نمی‌شوند، بلکه با رموز مخصوصی در حاشیهٔ صفحه‌ها موقع حدیث‌ها مشخص می‌گردد، رمز «ص» برای صحیح، «ح» برای حسن، «ل» برای مرسل، «ف» برای ضعیف، «ش»برای شاذ، «هـ» ، «م» برای مهمل یا مجهول، «ر». گاهی چندرمز برای یک حدیث قرار داده می‌شود.

گاهی شارح بر گفته‌های حر عاملی ایرادهای عقیدتی ـ کلامی نیز دارد .در روایتی نبوی که معرف به «حدیث مناهی »است و در صفحهٔ ۲۳۱ جلد سوم آمده و در آن کلمهٔ «ظننت» در گفتهٔ حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم چندبار تکرار شده[۱] حر بنا بر مشرب اخباری خود می‌گوید: این حدیث دلیل بر عدم جواز عمل به ظن (گمان) است، چون امکاناً مطابق با واقع نباشد، حتی ظن معصوم، چه رسد به ظن دیگران...

شیخ یوسف در تعقیب این گفتار می‌گوید: «گویا اعتراض بر اصحاب (دانشمندان علم اصول) باشد که عمل به ظن را جایز می‌دانند، این توهم ناروا و فاسد است وناشی از آن است که مراد اصحاب را در نیافته و ظن معصوم را بر آن قیاس کرده است، پیامبر

۱ – ر.ک وسائل الشیعه ۴۸۸/۸ ح ۵، ۳۴۸/۱ ح ۱۶، ۲۷۴/۵ ح ۲۵، ۱۷/۱۶ ح ۲، ۳۴۷/۱ ح ۷ تا ۱۰، ۳۲/۶ ح ۱۶ (چاپ ۲۰ جلدی اسلامیه).

اکرم «ص» در بیان احکام همواره منتظر وحی الهی می‌باشد و در هر واقعه‌ای باید وحی او را کمک نماید، وتمام احکام پیش از مرگ وی بدو فرستاده شده و آنها را به ائمه هدی علیهم السلام تعلیم کرده است.

پس از آن حضرات، تحصیل یقین برای مجتهدان امکان‌پذیر نیست. پس یا باید تکلیف ساقط باشد که چنین چیزی محال است، ویا عمل به ظن جایز باشد که گفتهٔ علماست. قیاس ظن پیامبر با ظن مجتهدان، قیاس مع الفارق است و درست نیست».

جلد اول این کتاب به صورت حاشیه نگارش یافته است، متن کتاب وسائل را شارح به خط خود نوشته و در حواشی صفحه‌ها یا در برگهای الصاقی حواشی خود رامی آورد، با رمز «یف» که مخفف یوسف می‌باشد. حاشیه‌های مرحوم حر که ضمن شرح نهاده شده، با نشانی «منه سلمه اللهّ» تشخیص داده می‌شوند.

جلد دوم و سوم به صورت شرح می‌باشد، احادیث متن هر باب یکجا با عناوین «قال سلمه اللّٰه» نقل می‌شود و با عناوین «اقول» شرح می‌گردد.

* * *

شیخ یوسف برای شرح خود، مقدمهٔ اصولی نسبتاً مفصلی ساخته است، با نقل ادله و بعضی گفته‌های دانشمندان بزرگ علم اصول و گفتگو در آنها. در این مقدمه، قواعد اصولی که مجتهد در استنباط مسائل فقهی بدانها نیاز دارد، آورده شده است . قواعدی که عمل به آنها لازم است ، و بنا به گفتهٔ وی، استدلال فقهی بدون به کار بستن آنها صحیح نیست، به خلاف روش اخباریان که عمل به بسیاری از آن قواعد نمی‌کنند.

این مقدمه اصولی در پایان «الشمس المضية من بيان القواعد الأصولية» نامیده شده و روز بیست و هفتم ذی الحجة ۱۰۸۷ به پایان رسیده است.

این بخش مشتمل بر یازده مقصد دارای فصول وابحاث ویک خاتمه می‌باشد. چهار مقصد اول را مؤلف به اشتباه عنوان «فصل» داده است .

تفصیل عناوین چنین است :

المقصد الأول: في المحكم والمتشابه والظاهر والمؤول

المقصد الثاني: في الحقيقة والمجاز والمشترک

المقصد الثالث: في الأمر والنهي

المقصد الرابع: في العموم والخصوص .
المقصد الخامس: في باقي صفات الدلالة.
المقصد السادس: في الأفعال .
المقصد السابع: في النسخ .
المقصد الثامن: في الاجماع [1]
المقصد التاسع: في الخبر.
المقصد العاشر: في القياس .
المقصد الحادي عشر: في الاجتهاد والتقليد.

این مقدمه، خود کتاب اصولی نیکویی است دارای بحثهای استدلالی و گاهی گسترده .

۱ – در این مقصد بحث خاصی نوشته نشده است، چون بحرانی معتقد است که در این عصرها اجماع (محصل) به دست نمی‌آید، چون مردم ضعیف اند و علما کم وکتابها متفرق وبیشتر آنها از بین رفته‌اند .بنا به گفتهٔ وی، این نه بدان معنی است که اجماع حجت نباشد، بلکه حجت است اگر چنین اجماعی حاصل شود.

آغاز جزء سوم «نهاية التحصيل » به خط مؤلف

پایان جزء سوم «نهاية التحصيل» به خط مؤلف

اجازهٔ شیخ حرّ عاملی به شیخ یوسف بحرانی